دوفصلنامه علمی- تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی سال چهارم، شماره دوم- بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۹۱- ۵۳

تحلیل و مقایسه تجربه قانونگذاری و نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی در سایر کشورها: دلالت‌هایی برای نظام بانکداری بدون ربا در کشور

حسین میسمی *
سید عباس موسویان **
محسن عبدالهی ***
حامد امرالهی ****

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۰۷
تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۳/۲۳

چکیده

این تحقیق به ارزیابی و تحلیل تجارب کشورهای گوناگون (اسلامی و غیراسلامی) در رابطه قانونگذاری و نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی پرداخته و تلاش می‌کند تا ضمن مقایسه جامع این الگوها، تشابهات و تفاوت‌های آن‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. پس از آن ضمن بررسی وضع موجود نظام بانکداری کشور، برنامه عملیاتی مناسب در سه بازه زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به منظور اجرایی شدن مسئله نظارت شرعی در بانکداری بدون ربا در ایران ارائه می‌نماید. همچنین، تلاش می‌کند تا منافعی که راه‌اندازی الگوی نظارت شرعی در بانکداری ایران به همراه خواهد داشت و همچنین چالش‌ها و مشکلات احتمالی در این زمینه را برجسته نموده و راه‌حل‌هایی ابتدایی به منظور حل این مشکلات ارائه نماید. یافته‌های این تحقیق که به روش کتابخانه‌ای، مرور گسترده ادبیات و تحلیل محتوا انجام می‌شود، نشان می‌دهد که راه‌اندازی الگوی نظارت شرعی در نظام بانکداری بدون ربا در کشور، امکان‌پذیر بوده و می‌تواند منافع مشخصی به همراه داشته باشد که یکی از آن‌ها ارتقاء سطح اسلامی بودن عملکرد نظام بانکی می‌باشد. همچنین مسئله راه‌اندازی نظام نظارت شرعی، می‌تواند به عنوان یکی از محورهای طرح تحول نظام بانکی که قرار است در آینده‌ای نزدیک اجرایی گردد، مطرح شود.

واژگان کلیدی

قانونگذاری، ریسک شریعت، بانکداری اسلامی، نظارت شرعی، شورای فقهی

* دانشجوی دکترای اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع) و پژوهشگر گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا. meisami@isu.ac.ir

** دانشیار، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی samosavian@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق(ع) m.abdolahy@isu.ac.ir

**** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق(ع) ha.amrollahi@gmail.com

Archive of SID

www.SID.ir

مقدمه

قانونگذاری و نظارت بر عملکرد بانک‌ها و مؤسسات مالی، موضوع جدیدی نبوده و بررسی ادبیات این حوزه، به خوبی حاکی از توسعه مباحث مربوط به قانونگذاری و نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات مالی می‌باشد. دقت در کتب و مقالات تدوین شده در این حوزه، نشان می‌دهد که مفاهیم و موضوعات مختلفی در این رابطه طرح گردیده‌اند. به عنوان نمونه نظارت مداخله‌جویانه بانک مرکزی بر بانک‌ها، که همراه با کنترل و ورود در امور داخلی آن‌هاست، در تعارض با معیارهای حاکمیت شرکتی مطرح شده و لذا مورد نقد قرار گرفته شده است (نیلی و سپه‌وند، ۱۳۸۹، ص۱۳۰).

از سوی دیگر مباحث جایگزینی در چند سال اخیر و به خصوص بعد از وقوع بحران مالی سال ۲۰۰۸، توجه کارشناسان را به خود جلب نموده است. یکی از این موارد مسئله نظارت احتیاطی است که هدفی جز تامین سلامت مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی ندارد. به نظر می‌رسد نظارت احتیاطی بر بانک‌ها، تمرکز خود را بر پیشگیری و به عبارت دیگر کاهش انواع ریسک‌هایی که بانک‌ها و مؤسسات مالی با آن مواجه می‌باشند (شامل ریسک نقدینگی، اعتباری، بازار، عملیاتی و ریسک نظام‌مند[1])، قرار می‌دهد. به عنوان مثال، به منظور جلوگیری از انتقال ریسک یک بانک به سایر بانک‌ها در نظام بانکی، سرمایه بانکی ماهیت پاددوره‌ای[2] پیدا کرده است. به این معنا که لازم است بانک‌ها در دوره رونق به ذخیره سرمایه بپردازند تا در دوره رکود بتوانند از این سرمایه استفاده کنند (نیلی و سپه‌وند، ۱۳۸۹، ص۱۳۲).

مسلما مباحث مطرح شده در رابطه با قانونگذاری، نظارت و مدیریت ریسک در بانکداری متعارف، برای کشورهایی که به اجرای بانکداری اسلامی اقدام نموده‌اند (مانند ایران)، در اکثر موارد قابل استفاده می‌باشد. به عبارت دیگر، بانک‌های اسلامی نیز مانند بانک‌های متعارف با انواعی از نیازهای قانونی و ریسک مواجه می‌باشند که راه‌حل‌های مرتبط با قانونگذاری مناسب و مدیریت ریسک در ادبیات نظارت بانکی به خوبی مطرح شده است. از اینرو در رابطه با برخی مباحث مرتبط با قانونگذاری و مدیریت ریسک، تفاوتی بین بانک‌های اسلامی و غیر اسلامی وجود ندارد. اما مسئله قانونگذاری و نظارت بر بانک‌های اسلامی، به دلیل ماهیتی که دارند، در برخی موارد

Archive of SID

www.SID.ir

ابعاد خاصی پیدا می‌کند که بعضا از قلم و نظر کارشناسان اقتصادی به دور می‌ماند. یکی از این موارد مسئله ریسک شریعت است. منظور از این ریسک خطری است که نظام بانکی به دلیل عدم انطباق فعالیت‌هایش با اصول و قوانین بانکداری بدون ربا، ممکن است با آن مواجه شود. به نظر می‌رسد ادبیات اقتصاد متعارف در حوزه نظارت، نمی‌تواند به این نیاز نظام بانکداری بدون ربا پاسخ دهد. از اینرو لازم است در این زمینه به ادبیات تولید شده در حوزه مالیه اسلامی و همچنین تجربه بانک‌های اسلامی در سایر کشورهای اسلامی مراجعه شود (Kahf, 2004, p.25).

بررسی تجربه نظارت شرعی و حداقل‌سازی ریسک شریعت، حاکی از آن است که اکثر بانک‌ها و مؤسسات اسلامی فعال در سایر کشورها، به تعابیر گوناگونی مانند شورای تخصصی فقهی، شورای فقهی، شورای شریعت، کمیته شریعت و غیره، به این موضوع پرداخته‌اند (موسویان و دیگران، ۱۳۸۸، ص۱۵؛ Mohamed, 2003, p.13). این در حالی است که متاسفانه در نظام بانکداری کشور، مسئله نظارت شرعی، متولی رسمی و قانونی مشخصی ندارد. این در حالی است که به نظر می‌رسد با توجه تجاربی که در این زمینه در سایر کشورها وجود دارد، با توجه به مشکلاتی که در ۲۸ سالی که از تصویب و اجرای بانکداری بدون ربا در ایران می‌گذرد، به وجود آمده است (که خود تجربه‌ای ارزشمند است)، و با توجه به تاکید فراوان مسئولان دولتی و حکومتی بر اجرای صحیح الگوی اقتصاد اسلامی در کشور و ارائه آن به عنوان نمونه‌ای موفق به سایر کشورهای اسلامی[۳]، می‌توان و باید مسئله قانونگذاری و نظارت بر اجرای صحیح بانکداری اسلامی را مورد توجه قرار داد و الگوی عملیاتی مناسبی در این زمینه ارائه نمود. مسلما این مسئله می‌تواند به عنوان یکی از محورهای تحول نظام بانکی که بر اساس شواهد و قرائن قرار است در سال آینده توسط دولت خدمت‌گذار اجرایی گردد، مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به آنچه مطرح شد این تحقیق تلاش می‌کند تا ضمن بازخوانی گسترده تجارب کشورهای گوناگون و الگوهای مختلفی که در رابطه با نظارت شرعی ارائه گردیده است، به تحلیل و مقایسه آن‌ها پرداخته و تلاش کند مشابهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را برجسته نماید. پس از آن، ضمن بررسی وضع موجود نظارت شرعی در

Archive of SID

www.SID.ir

بانکداری ایران، برنامه‌ای عملیاتی در سه بازه زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به منظور اجرایی شدن مسئله نظارت شرعی در بانکداری بدون ربا در ایران ارائه نماید. همچنین، تلاش می‌کند تا منافعی که راه‌اندازی الگوی نظارت شرعی در بانکداری ایران به همراه خواهد داشت و همچنین چالش‌ها و مشکلات احتمالی در این زمینه را برجسته نموده و راه‌حل‌هایی به منظور حل این مشکلات ارائه نماید. یافته‌های این تحقیق که به روش کتابخانه‌ای، مرور گسترده ادبیات و تحلیل محتوا انجام می‌شود، چشم‌اندازی مناسبی برای راه‌اندازی نظام نظارت شرعی در ایران ارائه نموده که خود می‌تواند به عنوان یکی از محورهای طرح تحول نظام بانکی مورد توجه قرار گیرد.

فصل‌بندی این تحقیق بدین صورت است که پس از این مقدمه و در بخش اول، بررسی تجارب کشورهای مختلف در حوزه نظارت شرعی مورد توجه قرار می‌گیرد. در این قسمت تلاش شده است تا تجارب کشورهای گوناگون در مناطق مختلف جغرافیایی، از جمله عربستان، مالزی، اندونزی، بحرین، امارات، کویت، قطر، انگلستان و ایران، مورد بررسی قرار گیرد. بخش دوم تحقیق به تحلیل و مقایسه تجربه این کشورها پرداخته و تلاش می‌کند تا مشابهت‌ها و تفاوت‌های این تجارب را در هفت محور برجسته کند. در بخش سوم نیز، الگوی نظارت شرعیِ مناسب، برای نظام بانکداری بدون ربا در ایران در سه بازه زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت ارائه می‌شود. بخش چهارم نیز منافع راه‌اندازی الگوی نظارت شرعی در کشور و همچنین چالش‌ها و مشکلات احتمالی را مورد بررسی قرار داده و راه‌حل‌هایی ابتدایی به منظور حل این چالش‌ها ارائه می‌نماید. بخش پنجم نیز به نتیجه‌گیری، استخراج توصیه‌های سیاستی و ارائه چشم‌انداز برای تحقیقات آینده اختصاص یافته است.

لازم به ذکر است که گرچه مسئله نظارت شرعی موضوع جدیدی نبوده و همانطور که در بخش بعد مشاهده می‌شود، تحقیقات گوناگون به مسئله نظارت شرعی در کشورهای مختلف پرداخته‌اند، اما بررسی مقایسه‌ای این تجارب، تحلیل آن‌ها، برجسته نمودن نقاط اشتراک و افتراقی که دارند، بررسی وضع موجود ایران و ارائه الگوی عملیاتی مناسب برای ایران در سه سطح، و همچنین بررسی منافع و چالش‌های

Archive of SID

www.SID.ir

راه‌اندازی الگوی نظارت شرعی، همگی از جمله مباحثی است که هنوز تحقیقات کافی در رابطه با آن‌ها انجام نشده است و لذا تحقیق حاضر دارای نوآوری می‌باشد.

۱. ارزیابی و تحلیل تجربه نظارت شرعی در برخی از کشورهای اسلامی

بررسی تجربه بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، به وضوح نشان می‌دهد در اکثر موارد بانک‌های اسلامی به نحوی تحت نظارت کمیته‌های فقهی قرار دارند (Zulkifli, 2010, pp.2-6). در واقع، گرچه تجربه قانونگذاری و نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی، در کشورهای مختلف یکسان نبوده و بعضا (همانطور که در ادامه خواهیم دید) دارای اختلافات فاحشی می‌باشد، اما به ندرت می‌توان در سایر کشورها بانک یا مؤسسه مالی اسلامی را پیدا نمود که به نحوی تحت نظارت شرعی قرار نداشته باشد. در آنچه در پی می‌آید، تجربه برخی کشورهای اسلامی (عربستان، مالزی، اندونزی، بحرین، امارات، کویت و قطر)، کشوری غیر اسلامی (انگلستان) و همچنین ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. در رابطه با هر کشور تلاش می‌شود تا دو مسئله قانونگذاری و نظارت شرعی بر بانکداری اسلامی مورد توجه قرار گیرد. همچنین در این قسمت تلاش می‌شود تا تحقیقات گوناگونی که در رابطه با مسئله قانونگذاری و نظارت شرعی در هر یک از این کشورها انجام شده است نیز مورد استفاده قرار گیرد؛ در واقع مرور ادبیات تحقیق در این قسمت انجام می‌شود.

۱-۱. عربستان سعودی

تاریخچه بانکداری در عربستان به قرن بیستم بازمی‌گردد و اولین بانک تجاری در عربستان، با نام شرکت تجاری هلند[۴] در سال ۱۹۲۶ میلادی تأسیس شد. در نگاه کلی، بانکداری و مالیه در عربستان سعودی تحت کنترل سازمان پولی عربستان سعودی (ساما)[۵] که در واقع بانک مرکزی عربستان به حساب می‌آید، بوده و مبتنی بر قانون کنترل بانکی مصوب ۱۹۶۶ میلادی فعالیت می‌کند. گرچه دین اسلام به عنوان منبع اصلی وضع مقررات و قوانین در عربستان به حساب می‌آید، اما با این حال، فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کار، تحت قانون دادگاه تجاری انجام می‌شود؛ قانونی که در آن

Archive of SID

www.SID.ir

دریافت و پرداخت بهره در عقد قرض مجاز شمرده می‌شود (Pepper, 1992, p.18 ؛ Al-Sayed, 2005, p.302).

در کشور عربستان هیچگونه قانونی، مخصوص فعالیت مؤسسات مالی اسلامی وجود نداشته و مسئله نظارت شرعی به صورت مرکزی انجام نمی‌شود. در واقع مقامات ناظر بر نظام بانکی، امر بررسی انطباق فعالیت‌های مؤسسات مالی با تعالیم شریعت اسلام را به خود مؤسسات واگذار کرده‌اند. از اینرو، هر مؤسسه‌ای درباره تائید شرعی بودن فعالیت‌هایش آزادانه عمل می‌کند. هدف از این کار آن بوده که آزادی بانک‌ها در مسئله نظارت شرعی، باعث نوعی رقابت در ارائه رویکردها و ابزارهای جدید منطبق با تعالیم شرع گردد (Al-Sayari, 2004, p.16 ؛ Wilson, 2009, p.13).

بررسی تجربه نظارت شرعی در عربستان نشان می‌دهد که گرچه الزامی از طرف بانک مرکزی در رابطه با تشکیل کمیته‌های فقهی در بانک‌ها و مؤسسات مالی وجود ندارد، اما تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی این کشور دارای هیئت شریعت هستند. این هیئت‌های شریعت نیز معمولا دارای اختیارات (حقوق) و وظایف (تکالیف) گسترده‌ای هستند که شامل وظایف مشورتی[۶]، نظارتی[۷] و حتی اجرایی[۸] نیز می‌گردد. بدین معنا که هیئت‌های شریعت در مؤسسات مالی این حق را دارند که از عملکردها، ابزارها و فرآیندهایی که بر خلاف اصول بانکداری اسلامی تشخیص داده می‌شود، جلوگیری نمایند (Zulkifli, 2010, p.18).

معمولا افرادی که در این کمیته‌ها حضور دارند یا متخصصین رشته فقه بوده و با مباحث بانکی نیز آشنایی کافی دارند و یا اینکه متخصصین امور بانکی بوده که با مبانی معاملات اسلامی به قدر کفایت آشنا هستند. همچنین تمامی اعضای هیئت‌های شرعی به وسیله مجمع عمومی مؤسسات مالی انتخاب می‌شوند (Selvam, 2008, pp.12-14). به منظور آشنایی بیشتر با الگوی نظارت شرعی در مؤسسات مالی کشور عربستان، مناسب است تجربه بانک الراجحی[۹] (به عنوان یکی از بزرگترین بانک‌های اسلامی در عربستان و جهان) در حوزه نظارت شرعی مورد ارزیابی قرار گیرد.

تشکیل هیئت شریعت[۱۰] در بانک الراجحی در یازدهمین مجمع عمومی این بانک در سال ۱۹۷۷ میلادی، تصویب گردید. این هیئت در بانک نقشی فعال دارد و با توجه

Archive of SID

www.SID.ir

به اینکه مستقیما با رای سهامداران بانک و از طریق مجمع عمومی تشکیل گردیده است، نسبت به سایر بخش‌های بانک (از جمله هیئت مدیره، مدیریت، واحد نظارت و غیره) کاملا استقلال داشته و لذا از ظرفیت و جایگاه قانونی مناسب، به منظور انجام وظایفی که دارد، برخوردار می‌باشد.

هیئت شریعت در بانک الراجحی، وظایف متعددی بر عهده دارد که پنج مورد از مهمترین آن‌ها عبارت هستند از: تضمین شرعی بودن تمامی روش‌های مورد استفاده، توسعه محصولات و ابزارهای مالی اسلامی به منظور ارائه خدمات بهتر به مشتریان بانک، نظارت مستمر بر نحوه اجرای قوانین، آئین‌نامه و ابزارهای مصوب، ارائه خدمات اطلاعاتی و مشورتی به تمامی افراد و ذینفعان موجود در خود بانک و افراد و ذینفعان خارج از بانک و نهایتا شرکت در جلسات گزینش کارمندان و به ویژه مدیران ارشد بانک و ارزیابی میزان آشنایی متقاضیان با بانکداری اسلامی (Al-Rajhi, 2008, p.6).

بررسی تجربه بانک الراجحی در زمینه نظارت شرعی به خوبی نشان می‌دهد که در این بانک تنها به تشکیل هیئت شریعت اکتفا نشده است. بلکه واحدهایی نیز در ذیل این هیئت و به منظور تقویت عملکرد آن تشکیل شده‌اند. سه واحد اصلی که به طور مستقیم زیر نظر هیئت شریعت به فعالیت مشغول بوده و هر یک وظایف مشخصی بر عهده دارند، عبارت‌اند از: دبیرخانه[۱۱]، واحد کنترل شرعی[۱۲] و واحد اطلاعات[۱۳]. دبیرخانه مسئولیت پیگیری تشکیل جلسات، تدوین صورت جلسات و انجام سایر مسائل اجراییِ مرتبط با هیئت شرعی را بر عهده دارد. اما واحد کنترل شرعی بازوی اجرایی هیئت شریعت می‌باشد. بدین معنا که تلاش می‌کند تا اجرایی شدن مصوبات هیئت شریعت را تضمین کند. واحد اطلاعات نیز وظیفه اطلاع‌رسانی و مشورت‌دهی به تمامی ذینفعان داخلی و خارجی بانک در رابطه با بانکداری اسلامی به طور عام و مصوبات هیئت شریعت به طور خاص را بر عهده دارد.

به دلیل آنکه در کشور عربستان (همانطور که ذکر شد) هیچگونه استانداردی در خصوص نظارت شرعی توسط مقامات قانونگذار ارائه نگردیده است، بانک الراجحی خود اصول و آئین‌نامه اجرایی نظارت شرعی را با عناوین «راهنمای نظارت شرعی»[۱۴] و «دستورالعمل کنترل شرعی»[۱۵] تدوین نموده و به تصویب رسانده است. این اصول و

Archive of SID

www.SID.ir

آئین‌نامه اجرایی صراحتا بر این مطلب تکیه دارند که نظرات ارائه شده توسط هیئت شریعت تنها جنبه پیشنهادی و مشورتی نداشته و رعایت آن‌ها کاملا ضروری و اجباری می‌باشد (Selvam, 2008, p.14).

لازم به ذکر است گرچه بانک مرکزی عربستان مستقیما در حوزه نظارت شرعی دخالتی ندارد، اما مؤسسه‌ای را با عنوان کمیته اختلافات بانکی[۱۶] در سال ۱۹۸۷ میلادی، با هدف رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با مسائل بانکی و مالی ایجاد کرد. مسائل مرتبط با بانکداری اسلامی و به ویژه حل موارد فقهی اختلافی میان اعضای کمیته‌های فقهی از وظایف این کمیته می‌باشد (Al-Sayari, 2004, p.18).

۱-۲. مالزی

بر خلاف بانک مرکزی عربستان که در مسئله نظارت شرعی ورود خاصی ندارد، بانک مرکزی مالزی[۱۷] و سایر نهادهای ناظر نقشی کاملا فعال در این حوزه ایفا می‌کنند و قوانین متعددی را در این زمینه به تصویب رسانده‌اند. تصویب قانون بانکداری اسلامی در سال ۱۹۸۳ میلادی، قانون تکافل در سال ۱۹۸٤، قانون کمیسیون اوراق بهادار در سال ۱۹۹۳، قانون بانکداری و نهادهای مالی در سال ۱۹۸۹ و قانون بانک مرکزی مالزی در سال ۲۰۰۹، نمونه‌هایی از این مصوبات می‌باشد (Hasan, 2007, p.13).

بانک مرکزی مالزی در سال ۱۹۹۷ میلادی به منظور ایجاد هماهنگی در برداشت‌ها و تفسیرهای شرعی، ارائه مشورت به فعالان بازار پول و سرمایه و غیره، شورای ملی مشورتی شریعت[۱۸] را تأسیس نمود. این شورا که نهادی رسمی و قانونی در بانک مرکزی مالزی است، بالاترین مقام ناظر شرعی، در رابطه با فعالیت‌های بانک‌ها و مؤسسات تکافل به حساب می‌آید. نظارت بر شرعی بودن فعالیت‌های بانک‌های اسلامی و بیمه‌های تکافل، ارتباط مستمر با هیئت‌های شریعت فعال در بانک‌ها و مؤسسات مالی، ارائه مشاوره به مسئولین بانک مرکزی مالزی درباره عملیات بانکداری اسلامی و تکافل، انجام هماهنگی‌های لازم درباره مسائل شرعی مربوط به بانکداری و تجزیه و تحلیل ابعاد شرعی محصولات مالی تولید شده، از مهمترین اقداماتی است که توسط این شورا انجام می‌شود. لازم به ذکر است اصلاح قانون مرتبط با بانک مرکزی

Archive of SID

www.SID.ir

مالزی در سال ۲۰۰۳ میلادی، زمینه افزایش اختیارات شورای مذکور را بیش از پیش فراهم ساخت. تعیین شورا به عنوان مرجع نهایی تصمیم‌گیر در رابطه با مسائل شرعی در حوزه مالیه اسلامی، افزایش استقلال شورا و منع اعضای آن از هرگونه عضویت در هیئت‌های شریعت بانک‌ها و مؤسسات مالی برخی از این موارد می‌باشند (موسویان، ۱۳۸۸، ص۱۷).

علاوه بر وجود کمیته نظارت شرعی در بانک مرکزی مالزی، تمامی بانک‌ها و مؤسسات اسلامی فعال در کشور مالزی، لازم است بر اساس دستورالعملی که در سال ۲۰۰٤ میلادی در بانک مرکزی مالزی به تصویب رسید، کمیته‌های تخصصی شرعی تشکیل دهند و عدم وجود چنین کمیته‌هایی در مؤسسات مالی اسلامی، اقدام غیرقانونی به حساب می‌آید. وظیفه اصلی این کمیته‌ها آن است که بر شرعی بودن عملیاتی که در مؤسسات مالی انجام می‌شود نظارت کافی داشته باشند، به مسئولان بانک‌ها و مردم خدمات مشورتی ارائه کنند و همچنین با امضا نمودن «دستورالعمل انطباق با شریعت»[۱۹] در رابطه با فعالیت مؤسسات مالی، فعالیت‌های این مؤسسات را مورد تایید قرار دهند (کمسیون اوراق بهادار مالزی، ۱۳۸۵، صص۳۰-۲۹).

به نظر می‌رسد بررسی دستورالعمل نظارت شرعی که در سال ۲۰۰٤ میلادی توسط بانک مرکزی مالزی ارائه گردید، می‌تواند نکات مفیدی به همراه داشته باشد. دقت در این دستورالعمل که در ۱۰ قسمت، ۲٤ بخش و یک ضمیمه تدوین شده است نشان می‌دهد که در آن به اهداف، حوزه فعالیت، نحوه عضویت، محدودیت‌ها، وظایف، مسئولیت‌ها و نحوه گزارش‌دهی کمیته‌های شریعت بانک‌ها و مؤسسات مالی به خوبی اشاره شده است (SC, 2009, p.15).

ماده ۸ این دستورالعمل، هیئت مدیره مؤسسات مالی اسلامی را موظف به پیشنهاد اعضای کمیته شرعی به بانک مرکزی نموده است. دوره فعالیت اعضاء کمیته نیز دو سال بوده که با تأیید بانک مرکزی، قابل تمدید تا یک دوره دیگر نیز می‌باشد. ماده ۲۰ نیز شرح دقیقی از وظایف کمیته شرعی ارائه می‌دهد. از جمله وظایف ذکر شده در آن، ارائه مشورت به هیئت مدیره در خصوص مشروعیت فعالیت‌های مؤسسه، تدوین دستورالعمل‌ها و سازوکارهای اجرایی مورد تأیید شریعت، تأیید مدارک و اسناد مرتبط

Archive of SID

www.SID.ir

از لحاظ فقهی، کمک به حل مسائل فقهی به اقتضای درخواست واحدهای مختلف، تدوین گزارشات منظم در رابطه با میزان شرعی بودن عملکرد مؤسسه مالی و ارائه آن به شورای مشورتی شریعت در بانک مرکزی و همکاری مناسب با شورای مشورتی شریعت در بانک مرکزی می‌باشد. ماده ۲۱ نیز وظایف مشخصی برای مؤسسات مالی اسلامی در قبال کمیته‌های شریعت مطرح می‌کند. از جمله: ارجاع مسائل و مشکلات فقهی به کمیته، اجرای دقیق مصوبات کمیته شرعی، تسهیل دسترسی اعضای کمیته به اطلاعات مورد نیاز، تسهیل دسترسی اعضای کمیته به مدارک و شواهد مورد نیاز، فراهم آوردن امکانات لازم برای فعالیت کمیته و در نهایت پرداخت حق‌الزحمه فعالیت اعضای کمیته.

۱-۳. اندونزی

در کشور اندونزی همانند مالزی، نظارت شرعی در دو سطح، بانک مرکزی و مؤسسات مالی انجام می‌شود. در سطح بانک مرکزی، نهادی تحت عنوان هیئت مالی شریعت[۲۰] که ابتدا توسط عالمان اندونزی راه‌اندازی گردید، توسط بانک مرکزی به رسمیت شناخته شده است و این بانک، مقررات بانکداری اسلامی را بر اساس احکام و فتاوای صادره از سوی این هیئت، صادر می‌کند. به عنوان نمونه در سال ۲۰۰۵ میلادی، هیئت مذکور فتاوا و احکام متعددی را در خصوص قراردادهای مضاربه، مشارکت و وکالت در نظام بانکی و برخی قراردادهای مورد استفاده در صنعت تکافل، اعلام نمود؛ که این احکام در حکم قوانین موضوعه کشور اندونزی، می‌باشند (Wilson, 2009, p.18).

علاوه بر این، در سطح مؤسسات مالی نیز، تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی فعال در اندونزی، به داشتن هیئت ناظر شرعی[۲۱] ملزم هستند. در واقع هیئت مدیره وظیفه انتخاب اعضای هیئت شرعی (که دارای اختیارات مشورتی، نظارتی و اجرایی هستند) را بر عهده دارد. البته لازم است هیئت شریعت بانک مرکزی اعتبار این افراد را تائید کند. هیئت‌های پیش‌گفته در امر نظارت بر فعالیت نظام بانکی در جایگاه همکار هیئت مالی شریعت، که در بانک مرکزی اندونزی مستقر می‌باشد، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند. همچنین بانک مرکزی اندونزی اصولی را در رابطه با نحوه

Archive of SID

www.SID.ir

انتخاب و فعالیت این هیئت‌ها تعیین کرده است. به عنوان مثال، هر یک از هیئت‌های ناظر شرعی ملزم هستند هر شش ماه یک‌بار گزارشی درباره نظارت شرعی خود به اعضای هیئت مدیره، هیئت مالی شریعت و بانک مرکزی اندونزی ارائه کنند (موسویان، ۱۳۸۸، ص۱۹).

۱-٤. بحرین

کشور بحرین که در سال ۱۹۷۱ میلادی به استقلال دست یافت، یکی از کشورهای پیشرو در عرصه بانکداری اسلامی (به ویژه قانونگذاری و نظارت) می‌باشد و در این راستا، علاوه بر راه‌اندازی مرکز مدیریت نقدینگی بحرین[۲۲]، دو مؤسسه بین‌المللی فعال در حوزه مالیه اسلامی، یعنی سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI)[۲۳] و بازار بین‌المللی مالی اسلامی (IIFM)[۲٤] نیز در این کشور تاسیس گردیده‌اند (Al-Suwaidi, 1993, pp.292-293).

بانک مرکزی بحرین (CBB)[۲۵] تنها مرجع قانونگذار در بخش مالی بوده و مسئول قانونگذاری و نظارت بر تمامی مؤسسات فعال در بازار پول (فعالیت‌های بانکی)، بازار بیمه و بازار سرمایه می‌باشد. نظام مالی این کشور در چارچوب پنج قانون مورد نظارت قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از: قانون بانک مرکزی و نهادهای مالی بحرین (۲۰۰٦م.)، قانون بورس اوراق بهادار بحرین (۱۹۸۷م.)، قانون شرکت‌های تجاری (۲۰۰۱م.)، قانون پولشویی (۲۰۰۱م.) و قانون تراست (۲۰۰٦م.).

جلد دوم کتاب قانون بانک مرکزی و نهادهای مالی بحرین مشخصا به مسئله بانکداری اسلامی می‌پردازد. بررسی بندهای مختلف این قانون به وضوح نشان می‌دهد که اجرای احکام مرتبط با بانکداری اسلامی که توسط کمیته‌های شریعت مستقر در مؤسسات مالی صادر می‌گردد، تنها جنبه ارشادی نداشته و تمامی مؤسسات مالی بر اساس نص صریح قانون ملزم به متابعت از این قوانین شده‌اند. در این قانون همچنین تصریح شده است که بانک مرکزی تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی را ملزم به تأسیس کمیته شریعت، بر اساس استانداردهای نظارتی سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی، می‌نماید؛ به نحوی که عدم راه‌اندازی چنین کمیته‌هایی به معنی

Archive of SID

www.SID.ir

تخطی از قانون بانک مرکزی به حساب می‌آید. اعضای این کمیته‌ها را نیز هیئت مدیره مؤسسات انتخاب می‌کنند (Radhi, 2003, p.16).

بانک مرکزی بحرین علاوه بر الزام بانک‌ها و مؤسسات مالی به تشکیل کمیته‌های شریعت، در سطح بانک مرکزی، کمیته مرکزی با عنوان هیئت ملی مشورتی شریعت[۲۶] را با هدف تضمین تطابق فعالیت‌های انجام شده با تعالیم بانکداری اسلامی، راه‌اندازی کرده است. البته لازم به ذکر است که بر خلاف سایر کشورهایی که هیئت شریعت در سطح بانک مرکزی تشکیل داده داده‌اند، هئیت ملی مشورتی شریعت در کشور بحرین فاقد قدرت اجرایی بوده و تنها اختیارات مشورتی و نظارتی بر عهده دارد؛ از اینرو، بر اساس قوانین بانک مرکزی بحرین، هیئت مذکور از دخالت در امور داخلی مؤسسات مالی و یا فعالیت‌های کمیته‌های شریعت بانک‌ها و مؤسسات مالی منع شده است و تنها در امور مورد اختلاف حق اظهار نظر دارد (Hasan, 2007, p.14).

۱-۵. امارات متحده عربی

امارات متحده عربی که در دوم دسامبر ۱۹۷۰ میلادی، با به هم پیوستن هفت منطقه تشکیل گردید و در سال ۱۹۷۱ نیز به استقلال سیاسی دست پیدا کرد، از جمله کشورهایی است که در حوزه قانونگذاری و نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی تجارب قابل توجهی دارد. گرچه ماده هفت قانون اساسی امارات، صراحتا شریعت را به عنوان منبع اصلی قانونگذاری در نظر گرفته است، اما با این حال، قوانین دیگری در امارات به تصویب رسیده‌اند که فعالیت‌های اقتصادی را از شمول متابعت از حرمت بهره، مستثنی می‌کنند. توجیه اصلی تصویب‌کنندگان این قوانین، مصلحت، ضرورت و عدم توانایی بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی در پاسخگویی به تمامی نیازهای مالی، اعلام گردیده است (Tamimi, 2002, p.51).

با این حال، کشور امارات به لحاظ قانونی به منظور پیشرفت و اعتلای مالیه اسلامی تلاش مناسبی کرده است. در این رابطه، دولت امارات در سال ۱۹۸۵ میلادی، قوانین ویژه‌ای در خصوص مالیه اسلامی با عنوان قانون فدرال[۲۷] تصویب کرد که بانک‌های اسلامی، نهادهای مالی و شرکت‌های تأمین سرمایه را شامل می‌شود. ماده یک

Archive of SID

www.SID.ir

این قانون، مؤسسات مالی اسلامی را ملزم به انجام فعالیت در چارچوب شریعت نموده که این امر لازم است در اساسنامه‌های مؤسسات تصریح گردد (Tamimi, 2002, p.53).

نظام نظارت شرعی در سراسر امارات (به غیر از دبی که در حوزه بانکداری اسلامی قوانین خاص خود را دارد)، تحت ماده ٦ قانون فدرال انجام می‌شود. جالب است که بر اساس این بند، وزارت دادگستری، به عنوان نماینده دولت، وظیفه تشکیل شورایی با عنوان «مرجع عالی شریعت»[۲۸] را بر عهده دارد. این شورا که یکی از نهادهای وزارت دادگستری امارات به حساب می‌آید، وظیفه مشورت، نظارت و کنترل بانک‌های اسلامی، نهادهای مالی، شرکت‌های تأمین سرمایه و همچنین اظهارنظر در خصوص مسائل شرعی مربوط به آن‌ها را بر عهده دارد. ماده ٦ به طور خاص بر ضروری بودن اجرای احکام مصوب این شورا توسط مؤسسات مالی تاکید می‌کند. در کشور امارات، علاوه بر شورای مذکور، جمعی از فقها نیز به صورت خودجوش نهادی تحت عنوان «هیئت نظارت شرعی»[۲۹] با هدف نظارت مستمر بر فعالیت بانک‌ها و مؤسسات مالی تشکیل داده‌اند (Humayon, 2009, p.22).

بنابر آنچه مطرح شد می‌توان گفت، بر خلاف سایر کشورها، بانک مرکزی امارات در خصوص قانونگذاری و نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی نقش خاصی بر عهده نداشته و دولت مستقیما این وظیفه را بر عهده گرفته است. علاوه بر این، تمامی مؤسسات مالی نیز بر اساس بند دیگری از ماده ٦ قانون فدرال، موظف به تشکیل هیئت شریعت می‌باشند. همچنین بر اساس این بند، لازم است در اساسنامه و بیانیه تأسیس شرکت، جایگاه قانونی، شیوه اجرایی، نحوه نظارت، اختیارات و تکالیف هیئت شرعی دقیقا بیان شده باشد. بر اساس قانون، هیئت شریعت در تمامی مؤسسات لازم است حداقل سه عضو داشته باشد و اعضای آن به وسیله هیئت مدیره و یا مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. البته بر اساس قانون لازم است صلاحیت این اعضا به تایید مرجع عالی شریعت در وزارت دادگستری برسد.

همانطور که ذکر شد، دبی در زمینه قوانین بانکداری اسلامی شرایط ویژه‌ای دارد. به نحوی که تمامی مؤسساتی که از مرکز بین‌المللی مالی دبی[۳۰] مجوز گرفته‌اند، موظف به رعایت قوانین خاص این مرکز در حوزه بانکداری اسلامی هستند. به عنوان نمونه

Archive of SID

www.SID.ir

یکی از قوانین این مرکز آن است که مؤسسات مالی اسلامی ملزم به رعایت استانداردهای نظارتی سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی هستند. همچنین ضرورت تشکیل، نحوه فعالیت، اختیارات و تکالیف هیئت‌های شریعت و همچنین وظایفی که مؤسسات مالی در رابطه با هیئت‌های شریعت دارند، به خوبی در قوانین مرکز بین‌المللی مالی دبی در نظر گرفته شده است (Humayon, 2009, p.13).

۱-٦. کویت

کشور کویت نیز از جمله کشورهای اسلامی است که به مسئله بانکداری اسلامی توجه نموده است. اساسا ماده دوم قانون اساسی کویت، صراحتاً شریعت را به عنوان منبع اصلی قانونگذاری و اسلام را دین رسمی کشور، اعلام می‌دارد. تاثیر این امر در قانونگذاری فعالیت‌های بانکداری اینطور بوده است که مواد قانونی ۳۰۵ و ٥٤٧ قانون مدنی کویت، رسما هرگونه دریافت و پرداخت ربا (بهره در عقد قرض) را ممنوع اعلام می‌دارد. اما با این حال قوانین دیگری در کویت به تصویب رسیده‌اند که فعالیت‌های اقتصادی را از مواد قانونی مرتبط با حرمت بهره، مستثنی می‌کند. از اینرو دریافت و پرداخت بهره در فعالیت‌های تجاری مجاز است (Ballantyne, 1985, p.5).

به لحاظ قوانین مرتبط با بانکداری اسلامی، بخش دهم قانون بانک مرکزی کویت[۳۱] (ماده ٨٦ تا ۱۰۰)، به این موضوع می‌پردازد. در واقع در این بخش، شرایط و مسائل قانونی مربوط به بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی مطرح شده است. به عنوان نمونه ماده ٨٦، صراحتا بیان می‌دارد که بانک مرکزی مسئولیت قانونگذاری در رابطه با فعالیت‌های مؤسسات مالی اسلامی را بر عهده دارد. همچنین در این ماده، بانک اسلامی به عنوان نهادی تعریف شده است که به انجام امور بانکداری در چارچوب شریعت اسلام می‌پردازد. علاوه بر این، در این قانون، عقود و ابزارهایی که بانک‌های اسلامی می‌توانند استفاده کنند، ذکر نگردیده است و این خود امکان استفاده از انواع عقود و ابزارهای متفاوت را برای مؤسسات مالی اسلامی فراهم نموده است.

نظارت شرعی در کویت با استناد به ماده ۹۳ قانون بانک مرکزی کویت صورت می‌گیرد. بر اساس این ماده، تمامی مؤسسات مالی اسلامی موظف به تأسیس کمیته

Archive of SID

www.SID.ir

شرعی مستقل، از طریق انتخاب مجمع عمومی می‌باشند. بر خلاف نظام نظارت شرعی در سایر کشورها و بر اساس قانون، هیئت مدیره مؤسسه مالی نمی‌تواند در انتخاب اعضای کمیته شرعی نقشی داشته باشد. در این ماده، همچنین حداقل اعضای کمیته‌های شریعت سه نفر تعیین شده است و مؤسسات مالی اسلامی موظف شده‌اند تا مسئله تأسیس کمیته شریعت را در اساسنامه خود تصریح کرده و در آن به طور مشخص اختیارات، کارکردها و سازوکارهای نظارتی این کمیته‌ها را بیان نمایند.

لازم به ذکر در کشور کویت گرچه بانک مرکزی در حوزه قانونگذاری در رابطه با مؤسسات مالی اسلامی فعال می‌باشد، اما در حوزه نظارت شرعی نقش خاصی بر عهده نداشته و این امر را به طور کامل به کمیته‌های شریعت که در مؤسسات مالی به فعالیت مشغول هستند واگذار نموده است. عدم وجود شورای مرکزی فقهی در بانک مرکزی، ممکن است در شرایطی که در بین اعضای کمیته‌های فقهی مؤسسات مالی، اختلاف نظری وجود داشته باشد، مشکل‌زا گردد. برای حل این مسأله، قانون بانک مرکزی کویت، کمیته فتاوا[۳۲]، که در وزارت اوقاف و امور اسلامی کویت جای دارد را به عنوان مرجع نهایی حل اختلافات در حوزه بانکداری اسلامی مطرح نموده است.

در خصوص ساختار گزارش‌دهی در رابطه با بانکداری اسلامی نیز لازم به ذکر است بر اساس قانون بانک مرکزی کویت، کمیته‌های شریعت در مؤسسات مالی اسلامی، موظف به تکمیل و ارائه گزارش شریعت[۳۳] به مجمع عمومی می‌باشند. همچنین لازم است این گزارش‌ها، در گزارش‌های سالانه‌ای که بانک‌های اسلامی تهیه می‌کنند، وجود داشته باشد.

۱-۷. قطر

کشور قطر در سال ۱۹۷۱ میلادی به استقلال رسید و قانون اساسی‌اش نیز در سال ۱۹۷۲ به تصویب نهایی رسید. ماده ۲ قانون اساسی، تصریح می‌کند که اسلام مذهب رسمی کشور و منبع اصلی قانونگذاری می‌باشد. گرچه بر اساس قانون اساسی، شریعت به عنوان منبع اصلی قانونگذاری در قطر اعلام شده است و لذا هرگونه فعالیت بانکداری بر اساس دریافت و پرداخت بهره ممنوع می‌باشد، اما با این حال، در قطر نیز

Archive of SID

www.SID.ir

قوانین دیگری به تصویب رسیده‌اند که فعالیت‌های تجاری را از حوزه الزامی بودن تطابق با تعالیم اسلام خارج می‌کنند (به عبارت دیگر اجرای قوانین اسلامی را به مواردی خاص مانند مسائل خانوادگی، حدود اسلامی، ارث و غیره محدود می‌کنند). از اینرو در این کشور نیز زمینه‌های قانونی فعالیت‌های بانکداری متعارف در کنار بانکداری اسلامی فراهم گردیده است (Hamzeh, 1994, p.83).

در ابتدای سال ۲۰۰۵ میلادی، دولت قطر اقدام به تأسیس مرکز مالی قطر (QFC)[۳۴] به عنوان مقام ارشد قانونگذار در بازار پول (فعالیت‌های مرتبط با بانکداری) و سازمان بازارهای مالی قطر (QFMA)[۳۵] به عنوان مقام ارشد قانونگذار در بازار سرمایه، نمود. مرکز مالی قطر، همچنین از اختیارات قانونی به منظور وضع قوانین مرتبط با بانکداری اسلامی نیز برخوردار است و در این رابطه، در سال ۲۰۰۷ میلادی، کتابچه مالی اسلامی (IFSI)[۳۶] را منتشر نموده است. این دستورالعمل، قوانین و مقررات مربوط به حوزه مالی اسلامی، از جمله تعهّدات مؤسسات مالی اسلامی، نحوه فعالیت شعبه‌های اسلامی در بانک‌های متعارف، الزامات افشاء، نحوه تدوین اساسنامه، نظامات کنترلی، سازوکارهای مدیریت و نهایتا نحوه تشکیل و فعالیت هیئت‌های شریعت در مؤسسات مالی اسلامی را به خوبی تبیین می‌کند. با انتشار این دستورالعمل، تمامی مؤسسات مالی اسلامی و شعب اسلامی مؤسسات غیر اسلامی، نسبت به انطباق فعالیت‌های خود با این دستورالعمل ملزم شده‌اند (Hamzeh, 1994, p.95).

در کشور قطر دو نهاد قانونی مرتبط با فعالیت‌های بانکی، یعنی بانک مرکزی قطر و مرکز مالی قطر، در حوزه نظارت شرعی به فعالیت مشغول‌اند؛ هر یک از این نهادها قوانین و دستورالعمل‌های مربوط به خود دارند. دستورالعمل بانک مرکزی در سال ۲۰۰۸ میلادی با عنوان «قواعد نظارت»[۳۷] و به منظور تبیین نحوه نظارت بانک مرکزی بر مؤسسات مالی اسلامی و غیر اسلامی تدوین شده است. ماده هفتم این دستورالعمل، مسئله نظارت بر فعالیت مؤسسات مالی اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهد. به عنوان نمونه، این ماده صراحتا تمامی مؤسسات مالی اسلامی را موظف به تشکیل هیئت شرعی می‌کند؛ هیئتی که لازم است حداقل دو عضو داشته باشد و اعضای آن از سوی هیئت مدیره و یا مجمع عمومی انتخاب می‌شوند.

Archive of SID

www.SID.ir

بندهای مختلف ماده هفتم دستورالعمل بانک مرکزی، ویژگی‌های کمیته شریعت در مؤسسات مالی اسلامی را بیان می‌دارند. به عنوان مثال، کمیته شریعت موظف است شرعی بودن عقود مورد استفاده در مؤسسه مالی را به تایید برساند و یا اینکه حسابرس داخلی مؤسسه لازم است اطلاعات مورد نیاز اعضای کمیته (از جمله گزارش حسابرسی مؤسسه) را در اختیارشان قرار دهد. همچنین مؤسسات مالی اسلامی ملزم به به کارگیری و رعایت استانداردهای نظارتی سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی می‌باشند (Amin, 1983, p.302).

بررسی دقیق‌تر این دستورالعمل نشان می‌دهد که دو ویژگی مهم در آن وجود دارد که آنرا از دستورالعمل‌های مرتبط با نظارت شرعی در سایر کشورها متمایز می‌سازد. یکی از این ویژگی‌ها ممنوعیت مؤسسه از پرداخت هرگونه وام یا اعتبار به اعضای کمیته شریعت می‌باشد. ویژگی دیگر شرایطی است که برای انتخاب مدیر عامل موسسه مطرح شده است؛ یکی از این موارد، داشتن تخصص و تجربه کافی در حوزه بانکداری اسلامی است. از اینرو، تنها مدیرانی می‌توانند پست مدیر عاملی در مؤسسات مالی اسلامی را بر عهده بگیرند که از توانمندی علمی و تجربی مناسب در حوزه بانکداری اسلامی برخوردار باشند.

دو نکته دیگر در رابطه با مسئله نظارت شرعی در قطر قابل توجه است. اول آنکه، همانطور که در بالا نیز عنوان شد، علاوه بر بانک مرکزی قطر، در حوزه قانونگذاری، مرکز مالی قطر نیز از جایگاه قانونی برخودار بوده و دستورالعمل مرتبط با خود دارد. البته بررسی این دستورالعمل نشان می‌دهد در اکثر موارد تفاوت قابل توجهی میان آن و دستورالعمل بانک مرکزی وجود ندارد. نکته دوم آن است که در کشور قطر نظارت شرعی در سطح مؤسسات مالی و نه در سطح نهاد قانونگذار (بانک مرکزی و یا مرکز مالی قطر) پیگیری می‌شود. از اینرو به منظور پر کردن نبود مرجع قانونی به منظور حل اختلافاتی که ممکن است بین اعضای هیئت‌های شریعت در مؤسسات مالی اسلامی ایجاد گردد، دولت قطر، شورای عالی شریعت[۳۸] را در وزارت اوقاف به عنوان تصمیم‌گیر نهایی در رابطه با اختلافات فقهی بین اعضای هیئت‌های شریعت تعیین نموده است (Amin, 1983, p.376).

Archive of SID

www.SID.ir

۱-۸. انگلستان

نخستین تلاش‌ها برای تاسیس بانک اسلامی در کشور انگلستان، به عنوان کشوری غیر اسلامی که به توسعه بانکداری اسلامی (به دلایل مختلف) توجهات ویژه‌ای دارد، در دهه هشتاد میلادی آغاز گردید. بانک البرکه اولین بانکی بود که در سال ۱۹۸۲ میلادی به عنوان بانک اسلامی در کشور انگلستان، شعبه تاسیس کرد. اما این تجربه چندان موفق نبود و پس از یازده سال فعالیت و به دلیل عدم توانایی در تامین مقررات مورد نظر مقامات نظارتی انگلستان، تعطیل گردید (Housby, 2005, p.13).

البته از آن زمان، همواره مسئولین پولی و مالی انگلستان در جهت هموارسازی زمینه‌های قانونی تقویت بانکداری اسلامی در کشور انگلستان تلاش کرده‌اند. بر اساس این تلاش‌ها، بانکداری اسلامی در کشور انگلستان به توسعه مناسبی دست پیدا کرد؛ به نحوی که در ابتدای سال ۲۰۰۸ میلادی، پنج بانک کاملا اسلامی، بیش از ۲۰ شعبه اسلامی در بانک‌های غیر اسلامی، یک شرکت بیمه اسلامی (تکافل)، نُه صندوق سرمایه‌گذاری و یک صندوق پوشش ریسک اسلامی در انگلستان به فعالیت مشغول بودند (Hm Treasury, 2008, p.12).

در رابطه با مسئله نظارت بر اجرای صحیح بانکداری اسلامی، مقامات قانونگذار انگلستان، رفتار یکسانی در مواجهه با مؤسسات مالی اسلامی و غیر اسلامی دارند و لذا هیچگونه اجبار و الزام قانونی برای مؤسسات مالی اسلامی جهت راه‌اندازی کمیته شرعی وجود ندارد (Brialt, 2007, p.16). بنابراین مؤسسات مالی اسلامی مجاز به تاسیس کمیته‌های شریعت هستند؛ اما بر اساس ضوابط قانونی کشور انگلستان، اختیارات این کمیته تنها می‌تواند مشورتی و یا نظارتی باشد. از اینرو مؤسسات مالی نمی‌توانند برای این کمیته‌ها قدرت اجرایی در نظر بگیرند.

عملکرد پنج بانک اسلامی موجود در انگلیس نشان می‌دهد که تمامی این مؤسسات به تشکیل کمیته شریعت اقدام نموده‌اند. به عنوان نمونه «بانک اسلامی بریتانیا»[۳۹] و «خانه مالی اروپا»[۴۰] از کمیته مشورتی سه نفره، «بانک لندن و خاورمیانه»[۴۱] و «بانک اسلامی اروپا»[۴۲] از کمیته مشورتی چهار نفره، و نهایتا «شرکت سرمایه گذاری گیت هوس»[۴۳] نیز از یک فرد مشاور، بهره می‌برند.

Archive of SID

www.SID.ir

لازم به ذکر است که گرچه مقامات قانونگذار در کشور انگلستان در خصوص بسیاری از مسائل مرتبط با بانکداری اسلامی دخالتی ندارند، اما مسئله انتشار صکوک، به دلیل منافعی که برای این کشور به همراه دارد، وضعیت متفاوتی دارد. به نحوی که وزارت خزانه‌داری انگلستان، صراحتا بر ضرورت تشکیل کمیته فقهی بین‌المللی، به منظور تائید نمودن شرعی بودن انتشار صکوک توسط دولت انگلستان، تاکید دارد (Zulkifli, 2010, p.15).

۱-۹. ایران

گرچه قانون بانکداری بدون ربا در ایران در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسید، اما در عمل، هیچ نهادی مسئولیت نظارت بر اجرای صحیح این قانون را بر عهده نداشته و نتیجه این امر آن شده است که بعد از گذشت حدود سه دهه از اجرای قانون بانکداری بدون ربا، هنوز هم شبهه ربوی بودن عملکرد نظام بانکی، در برخی فعالیت‌ها وجود دارد.[۴۴] به نظر می‌رسد این پیش‌فرض در ذهن مسئولین و مجریان شکل گرفته است که تایید قانون بانکداری بدون ربا توسط شورای نگهبان و اثبات عدم مغایرت آن با تعالیم شرع و قانون اساسی، خود تضمین کننده اجرای صحیح آن نیز می‌باشد و تصویب این قانون، اسلامی شدن نظام بانکی را تضمین می‌کند.[۴۵] این در حالی است که به نظر می‌رسد اجرایی شدن صحیح قانون بانکداری بدون ربا به موارد دیگری غیر از قانون (با فرض بدون اشکال بودن آن) نیاز دارد که پرداختن به این موضوعات خارج از حوزه کاری شورای نگهبان می‌باشد. به عنوان نمونه، مسئله نظارت بر اجرای صحیح قانون یکی از این موارد است که در طول بیش از ربع قرن تجربه بانکداری اسلامی در کشور به آن توجه زیادی نشده است.

خوشبختانه در چند سال اخیر توجه مسئولین بانکی در کشور تا حدودی به این امر معطوف گردیده است. به نحوی که در سال ۱۳۸۳ شورایی به نام «شورای مشورتی بانکداری و مالیه اسلامی» در پژوهشکده پولی و بانکی، وابسته به بانک مرکزی جمهوری اسلامی تشکیل گردید. این شورا که متشکل از صاحب‌نظران فقهی، اقتصادی و بانکی بود، مسائل و شبهه‌های شرعی مطرح در عرصه بانکداری بدون را مورد بحث

Archive of SID

www.SID.ir

و بررسی قرار داده و پیشنهادهایی جهت اصلاح وضع موجود مطرح می‌ساختند. همچنین این شورا در مواردی با بررسی ابزارهای جدید بانکی، پیشنهادهایی به شورای پول و اعتبار ارائه می‌کردند.

شورای پیش‌گفته بعد از حدود دو سال فعالیت، به معاونت بانکی وزارت امور اقتصادی و دارایی منتقل شد و با ترکیبی منسجم‌تر، به بررسی مشکلات و موانع اجرای صحیح بانکداری بدون ربا پرداخت. این شورا بعد از سه سال فعالیت، افزون بر بررسی مسائل جاری بانکداری کشور، طرحی به نام «الگوی جدید بانکداری بدون ربای ایران» ارائه نمود. این طرح در محافل گوناگون علمی داخلی و بین‌المللی ارائه شده و به نظر می‌رسد اجرای آن بتواند پاره‌ای از مشکلات بانکداری بدون ربا در کشور را برطرف کند (موسویان، ۱۳۸۸، ص۱۱).

بعد از تغییرات مدیریتی در بانک مرکزی و در ابتدای سال ۱۳۸۸، شورایی در بانک مرکزی به نام شورای فقهی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد. این شورا که متشکل از صاحب‌نظران فقهی، اقتصادی و بانکی است، در عرصه نظارت بر انطباق ابزارهای جدید پیشنهادی، با موازین شرعی، فعالیت می‌کند. شورای پیش‌گفته گرچه هنوز جایگاه رسمی و قانونی ندارد، اما مصوبات فراوانی در زمینه‌های گوناگون داشته است که تدوین مقررات شرعی انتشار اوراق مشارکت ارزی، تدوین مقررات شرعی انتشار گواهی سپرده ارزی، تدوین مقررات شرعی استفاده از معامله‌های آتی ارز برای پوشش ریسک، طراحی ابزارهای معامله‌های بین بانکی در بانکداری بدون ربا، تدوین مقررات شرعی توافقنامه بازخرید یا رپو[٤٦] در بانکداری بدون ربا و تدوین مقررات شرعی کاربردهای گوناگون خرید دین برخی از آن‌ها می‌باشند (موسویان، ۱۳۸۸، صص۱۳-۱۲).

نکته‌ای که در رابطه با تجربه نظارت شرعی در اینجا قابل ذکر است، جایگاه موضوع نظارت شرعی در بسته‌های سیاستی - نظارتی بانک مرکزی است. بررسی تجربه تدوین چنین بسته‌های نظارتی نشان می‌دهد که هر ساله شورای پول و اعتبار به استناد ماده ١٤ قانون پولی و بانکی کشور و ماده ۲۰ قانون بانکداری بدون ربا، بسته سیاستی - نظارتی شبکه بانکی کشور را تصویب کرده و این بسته توسط بانک مرکزی

Archive of SID

www.SID.ir

به کلیه واحدهای ذیربط ابلاغ می‌شود. اما متاسفانه در این بسته‌ها چندان به موضوع نظارت شرعی پرداخته نمی‌شود. به عنوان نمونه مطالعه بسته سیاستی – نظارتی سال ۱۳۸۹ نشان می‌دهد که اگر چه در نامه رییس کل بانک مرکزی در ابلاغ آن در این سال، تاکید مناسبی بر نظارت موثر بر اجرای دقیق بانکداری اسلامی شده است، اما متاسفانه نه در فصل چهارم این بسته (سیاست‌های نظارتی) و نه در مابقی فصول آن[۴۷]، هیچ اشاره خاصی به مقوله نظارت شرعی در انطباق عملکرد نظام بانکی با اصول شریعت اسلامی به چشم نمی‌آید.[۴۸]

بنا بر آنچه مطرح شد نظارت شرعی بر اجرای بانکداری اسلامی دارای ویژگی‌های خاصی می‌باشد. اول آنکه بانک‌ها و موسسات مالی ملزم به تاسیس کمیته فقهی نیستند؛ دوم آنکه کمیته فقهی بانک مرکزی به عنوان مرجع عالی فقهی در حوزه بانکداری اسلامی، جایگاه قانونی نداشته و تنها اختیارات مشورتی دارد؛ سوم آنکه هیچگونه قانونی در رابطه با نظارت شرعی وجود ندارد. چهارم، هیچ بخشی در داخل بانک مرکزی و یا در داخل موسسات مالی مسئولیت شرعی بودن عقود مورد استفاده در موسسه، فهم صحیح طرفین امضا کننده عقود در بانک نسبت به ماهیت آنچه که امضا می‌کنند و غیره، که همگی جزو ابتدایی‌ترین پیش‌فرض‌های اجرای صحیح قانون بانکداری بدون ربا در کشور هستند را بر عهده ندارد.

۱-۱۰. نظارت شرعی در سایر کشورها

علاوه بر تجاربی که تا این قسمت بررسی گردید، در سایر کشورها نیز تجارب مختلفی در رابطه با مسئله نظارت شرعی وجود دارد. به عنوان نمونه، بانک‌های مرکزی در چندین کشور از جمله سودان، پاکستان و غیره، کمیته‌های فقهی تشکیل داده‌اند. همچنین سازمان‌ها و مؤسسه‌های بین‌المللی فعال در رابطه با بانکداری اسلامی، از جمله بانک توسعه اسلامی[۴۹]، مؤسسه تعاون اسلامی به منظور توسعه بخش خصوصی[۵۰]، سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسه‌های مالی اسلامی و غیره، همگی دارای کمیته‌های شریعت می‌باشند (قطان، ۲۰۰۶م.، ص٤).

Archive of SID

www.SID.ir

۲. تحلیل تجربه سایر کشورها در حوزه نظارت شرعی (تبیین نقاط اشتراک و افتراق)

همانطور که بررسی تجربه سایر کشورها در زمینه نظارت شرعی بر عملکرد مؤسسات مالی اسلامی به وضوح نشان می‌دهد، اختلافات زیادی بین کشورهای مختلف در رابطه با مسئله نظارت شرعی وجود دارد. همانطور که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، می‌توان بخش عمده‌ای از اشتراک‌ها و تفاوت‌های نظارت شرعی در کشورهای مختلف را در هفت محور کلی مورد بررسی قرار داد.

جدول ۱. مشابهت‌ها و تفاوت‌های نظارت شرعی در کشورهای مختلف

نام کشور	سطح نظارت شرعی (بانکی مرکزی، دولت، مؤسسه‌های مالی یا هر سه)	اختیارات ناظرین شرعی (مشورتی، نظارتی، اجرایی)	اختیارات ناظرین شرعی مرجع	مرجع انتخاب‌کننده اعضای هیئت شرعی مؤسسه‌های	اجباری یا اختیاری بودن	مرجع عالی حل اختلاف بین اعضای کمیته‌های فقهی	وجود قانون واحد
عربستان	مؤسسه‌های مالی	مشورتی، نظارتی و اجرایی	–	مجمع عمومی موسسه مالی	اختیاری	کمیته اختلافات بانکی (وابسته به بانک مرکزی)	خیر
مالزی	بانک مرکزی و مؤسسه‌های مالی	مشورتی، نظارتی و اجرایی	مشورتی، نظارتی و اجرایی	هیئت مدیره موسسه مالی با تایید هیئت شرعی بانک مرکزی	اجباری	شورای ملی مشورتی شریعت (وابسته به بانک مرکزی)	بله
اندونزی	بانک مرکزی و مؤسسه‌های مالی	مشورتی، نظارتی و اجرایی	مشورتی، نظارتی و اجرایی	هیئت مدیره موسسه مالی با تایید هیئت شرعی بانک مرکزی	اجباری	هیئت مالی شریعت (وابسته به بانک مرکزی)	بله
بحرین	بانک مرکزی و مؤسسه‌های مالی	مشورتی، نظارتی و اجرایی	مشورتی و نظارتی	هیئت مدیره موسسه مالی با تایید هیئت شرعی بانک مرکزی	اجباری	هیئت ملّی مشورتی شریعت (وابسته به بانک مرکزی)	بله

Archive of SID

www.SID.ir

ادامه جدول ۱. مشابهت‌ها و تفاوت‌های نظارت شرعی در کشورهای مختلف

امارات	وزارت دادگستری (دولت) و مؤسسه‌های مالی	مشورتی، نظارتی و اجرایی	مشورتی، نظارتی و اجرایی	هیئت مدیره و یا مجمع عمومی، با تایید هیئت شرعی وزارت دادگستری	اجباری	مرجع عالی شریعت (وابسته به وزارت دادگستری)	بله
کویت	مؤسسه‌های مالی	مشورتی، نظارتی و اجرایی	–	مجمع عمومی	اجباری	کمیته فتاوا (وابسته به وزارت اوقاف)	بله
قطر	مؤسسه‌های مالی	مشورتی، نظارتی و اجرایی	–	هیئت مدیره و یا مجمع عمومی	اجباری	شورای عالی شریعت (وابسته به وزارت اوقاف)	بله
انگلستان	مؤسسه‌های مالی	مشورتی و نظارتی	–	هیئت مدیره و یا مجمع عمومی	اختیاری	–	خیر
ایران	بانک مرکزی	–	مشورتی	–	–	–	خیر

محور اول مقایسه تجارب کشورها، که ستون اول جدول را به خود اختصاص داده است، مسئله سطح نظارت شرعی می‌باشد. در مجموع می‌توان چهار سطح یعنی، بانک مرکزی، دولت، مؤسسات مالی و یا ترکیبی از این موارد را تصور کرد. بررسی جامع تجارب مورد بررسی نشان می‌دهد که برخی از کشورها مانند عربستان، کویت، قطر و انگلستان، نظارت شرعی را تنها در سطح مؤسسات پیگیری می‌کنند. به این معنی که مسئول نظارت شرعی بر مؤسسات مالی اسلامی در این دسته از کشورها تنها خود مؤسسات مالی هستند و لذا هیچگونه نظارت شرعی مرکزی (مثلا از طریق بانک مرکزی) وجود ندارد. معمولا در این دسته از کشورها تنها، مرجعی فقهی به منظور حل اختلافات بین اعضای کمیته‌های فقهی تشکیل می‌شود تا نقش تصمیم‌گیر نهایی را ایفا کند. نظارت شرعی در برخی دیگر از کشورها مانند مالزی، اندونزی، بحرین، هم از طریق بانک مرکزی و هم از طریق مؤسسات مالی پیگیری می‌شود. معمولا در این دسته از کشورها، کمیته فقهی بانک مرکزی به عنوان کمیته مرجع در حوزه نظارت شرعی

Archive of SID

www.SID.ir

مطرح می‌شود که بر عملکرد کمیته‌های فقهی مؤسسات نظارت دارد و خود دارای اختیارات مختلفی نیز می‌باشد. نظارت شرعی در برخی دیگر از کشورها، مانند امارات، هم از طریق دولت و هم از طریق مؤسسات مالی پیگیری می‌شود. معمولا در این دسته از کشورها، کمیته فقهی دولتی، به عنوان کمیته مرجع در حوزه نظارت شرعی مطرح می‌شود. در نهایت نظارت شرعی در برخی دیگر از کشورها مانند ایران، به صورت بسیار محدود و تنها از طریق بانک مرکزی پیگیری می‌شود.

دومین محور مقایسه تجربه نظارت شرعی، مسئله اختیارات کمیته‌های فقهی مؤسسات است که می‌تواند مشورتی، نظارتی و یا اجرایی (کنترلی) می‌باشد. بررسی تجارب کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهد که در تمامی کشورهایی که کمیته‌های فقهی در سطح مؤسسات مالی تشکیل داده بودند (به جز انگلستان)، کمیته‌های فقهی هم به ذینفعان داخلی و خارجی مؤسسه خدمات مشورتی در مورد بانکداری اسلامی ارائه می‌نمودند، هم بر تمامی فعالیت‌های مؤسسه مالی نظارت داشتند و هم اینکه به لحاظ قانونی این حق را دارا بودند که از فعالیت‌هایی که مخالف تعالیم شرعی تشخیص می‌دهند، جلوگیری کنند. البته در انگلستان، اختیارات این کمیته‌ها به مشورت و نظارت محدود می‌شود و لذا به لحاظ قانونی نمی‌توانند قدرت اجرایی داشته باشند.

سومین محور مقایسه تجربه نظارت شرعی، مسئله اختیارات کمیته‌های فقهی مرجع می‌باشد که در اینجا هم می‌تواند مشورتی، نظارتی و یا اجرایی (کنترلی) می‌باشد. بررسی تجارب کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهد که در کشورهایی که کمیته‌های فقهی مرجع تشکیل داده بودند (چه در بانک مرکزی و چه در دولت) تفاوت‌هایی در رابطه با اختیارات کمیته‌های مرجع مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه در کشورهای مالزی، اندونزی و امارات، این کمیته‌ها دارای هر سه نوع اختیار (مشورتی، نظارتی و اجرایی) می‌باشند. در حالی که در کشور بحرین، فقط اختیارات مشورتی و نظارتی دارند و در ایران نیز تنها دارای اختیارات مشورتی می‌باشند.

چهارمین محور مقایسه تجربه نظارت شرعی، مسئله مرجع انتخاب‌کننده اعضای هیئت‌های شرعی مؤسسات مالی می‌باشد. در این زمینه بررسی تجارب کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهد که در برخی از کشورها مانند مالزی، اندونزی و بحرین تنها هیئت

Archive of SID

www.SID.ir

مدیره مؤسسه‌ها، مسئول انتخاب اعضای کمیته‌های فقهی می‌باشد. اما در کشورهایی مانند امارات، قطر و انگلستان، هیئت مدیره و یا مجمع عمومی این وظیفه را بر عهده دارند. در نهایت در کشورهایی مانند عربستان و کویت، انتخاب اعضای کمیته‌های فقهی تنها بر عهده مجمع عمومی مؤسسات می‌باشد. همچنین در تمامی کشورهایی که هیئت شرعی مرجع (در بانک مرکزی و یا دولت) وجود دارد، لازم است صلاحیت اعضای تمامی کمیته‌های شرعی به تائید هیئت شرعی مرجع برسد.

پنجمین محور مقایسه تجارب نظارت شرعی در کشورهای مختلف، مسئله اختیاری و یا اجباری بودن وجود نظارت شرعی در مؤسسات است. بررسی تجربه کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهد که در اکثر کشورهایی که دارای کمیته‌های فقهی مرجع (در بانک مرکزی و یا دولت) می‌باشند، وجود نظارت شرعی در تمامی مؤسسات اجباری می‌باشد. نمونه‌ای از این کشورها، مالزی، اندونزی، بحرین و امارات می‌باشد. اما در مقابل، در تمامی کشورهایی که کمیته‌های فقهی مرجع وجود ندارد، تشکیل کمیته‌های شریعت در مؤسسات مالی کاملا اختیاری می‌باشد. نمونه‌ای از این کشورها عربستان، کویت، قطر و انگلستان می‌باشد.

ششمین محور مقایسه تجارب نظارت شرعی در کشورهای مختلف، مسئله مرجع عالی حل اختلاف میان اعضای کمیته‌های فقهی در یک مؤسسه و یا کمیته‌های فقهی در مؤسسات مختلف می‌باشد. در این زمینه اکثر کشورهایی که کمیته‌های شرعی مرجع (در بانک مرکزی و یا دولت) در اختیار دارند، مسئله حل اختلاف میان کمیته‌های فقهی مؤسسات مالی را نیز، در حوزه وظایف کمیته شرعی مرجع مطرح می‌کنند. نمونه‌ای از این کشورها مالزی، اندونزی، بحرین و امارات می‌باشند. اما برخی دیگر از کشورها که کمیته شرعی مرجع تشکیل نداده‌اند، شورای مخصوصی به منظور حل اختلاف تاسیس کرده‌اند. نمونه‌ای از این کشورها، عربستان، کویت و قطر می‌باشد. در برخی از کشورها نیز اصلا چنین مرجع حل اختلافی تعریف نشده که نمونه آن کشور انگلستان است.

هفتمین محور در مقایسه تجارب کشورهای مختلف در حوزه نظارت شرعی، مسئله وجود قانون واحد در زمینه نظارت شرعی است. منظور از قانون واحد قانونی است که نحوه تاسیس، اختیارات و وظایف کمیته‌های فقهی در مؤسسات مالی را

Archive of SID

www.SID.ir

مشخص کرده و در رابطه با تمامی مؤسسات قابل استناد باشد. در این زمینه تمامی کشورهای مورد بررسی بجز عربستان، انگلستان و ایران، دارای چنین قانونی می‌باشند.

۳. مدل پیشنهادی به منظور تقویت نظارت شرعی در شبکه بانکی کشور

با توجه به آنچه مطرح شد، می‌توان ادعا کرد که گرچه کشور جمهوری اسلامی ایران، از جمله معدود کشورهایی است که در آن قانون بانکداری بدون ربا به تصویب رسیده، تمامی مؤسسات بر اساس بانکداری اسلامی به فعالیت مشغول‌اند و بانکداری متعارف در آن جایی ندارد، اما مسئله نظارت شرعی در مقایسه با سایر کشورها، وضعیت مناسبی ندارد. در واقع، بر اساس هفت محور ارائه شده، ایران در مقایسه با تمامی کشورهای مورد بررسی (حتی در مقایسه با کشوری غیر اسلامی مانند انگلستان)، ضعیف‌ترین الگوی نظارت شرعی را در اختیار دارد. الگویی که در آن هیچ یک از مؤسسات مالی از شورای فقهی با جایگاه مشخص قانونی برخوردار نیستند، کمیته فقهی بانک مرکزی جایگاه مشخص قانونی نداشته و تنها اختیارات مشورتی دارد و هیچگونه قانونی که مسئله نظارت شرعی را مورد توجه قرار داده باشد، وجود ندارد.

با توجه به این مطلب و با توجه به ضرورت اجرای کامل اقتصاد و بانکداری اسلامی در کشوری اسلامی مانند ایران، به نظر می‌رسد لازم باشد با استفاده از تجربه سایر کشورها (که همانطور که مشاهده شد، در زمینه نظارت شرعی بسیار قوی‌تر از ایران عمل کرده‌اند)، الگویی جامع به منظور تامین وظیفه نظارت شرعی در نظام بانکداری بدون ربا در کشور ارائه گردد. البته باید به این نکته توجه شود که الگوی عملیاتی نظارت شرعی در ایران لازم است به صورت تدریجی، با انجام آزمون و خطا و در تعامل با قوانین و شرایط موجود در ایران طراحی شود. از اینرو، نمی‌توان توقع داشت که الگوی نظارت شرعی به صورت دفعی در نظام بانکداری ایران ایجاد گردد؛ بلکه لازم است این فرآیند با برنامه‌ریزی مناسب، با تلاش جدی بانک مرکزی و همکاری مؤسسات مالی و به صورت مرحله‌ای توسعه یابد.

Archive of SID

www.SID.ir

با توجه به تجارب بررسی شده و تحلیل‌های ارائه شده در قسمت‌های قبل، الگوی اجرایی ذیل برای توسعه نظام نظارت شرعی در بانکداری بدون ربا در ایران، برای سه دوره کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بدین صورت قابل ارائه است:

۳-۱. کوتاه‌مدت (سال آینده)

پیشنهاد می‌شود در کوتاه‌مدت کارگروه نظارت شرعی (نظارت بر اجرای قانون بانکداری بدون ربا) در بخش نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بانک مرکزی تشکیل شده و شورای فقهی بانک مرکزی در آن تلفیق گردد. لازم است جایگاه قانونی این کارگروه نیز دقیقا مشخص گردد. بهتر است در کوتاه‌مدت تنها وظیفه مشورتی و حداکثر نظارتی برای این نهاد که مرجع عالی فقهی در حوزه بانکداری به حساب می‌آید، در نظر گرفته شود. همچنین می‌توان مقوله نظارت شرعی را در سرفصل‌های بسته سالانه سیاستی – نظارتی شبکه بانکی کشور که سالانه توسط شورای پول و اعتبار تصویب و توسط بانک مرکزی ابلاغ می‌شود، وارد نمود.

۳-۲. میان‌مدت (۲-٤ سال آینده)

پیشنهاد می‌شود در میان‌مدت، اختیارات اجرایی نیز به کارگروه نظارت شرعی بانک مرکزی محول گردد. بدین منظور لازم است واحدهایی در ذیل کارگروه نظارت شرعی تشکیل گردیده و به عنوان بازوهای اجرایی کارگروه عمل نماید. همچنین پیشنهاد می‌شود به تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی فعال در کشور این اختیار داده شود تا بتوانند (در صورت تمایل) به تشکیل کمیته فقهی در مؤسسات خود اقدام ورزند. البته مناسب است در میان‌مدت تنها اختیارات مشورتی و نظارتی (و نه اجرایی) برای این کمیته‌ها در نظر گرفته شود. علاوه بر این لازم است بانک مرکزی، به تدوین دستورالعمل تاسیس و فعالیت کمیته‌های فقهی پرداخته و در آن به صورت دقیق، ضوابط تاسیس و فعالیت کمیته‌های فقهی (شامل وظایف، اختیارات، نحوه انتخاب، مدت فعالیت و غیره) را دقیقا مشخص نموده و همزمان با ارائه اختیار به مؤسسات در رابطه با تشکیل کمیته‌های فقهی، به تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی ابلاغ نماید. مناسب

Archive of SID

www.SID.ir

است از طرف بانک مرکزی، تدابیر تشویقی مناسبی برای مؤسساتی که به تاسیس کمیته‌های فقهی اقدام می‌ورزند ارائه گردد.

۳-۳. بلندمدت (٤ تا ٦ سال آینده)

پیشنهاد می‌شود در بلندمدت تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی به تشکیل کمیته‌های فقهی زیر نظر کارگروه نظارت شرعی بانک مرکزی، ملزم گردند. همچنین لازم است علاوه بر اختیارات مشورتی و نظارتی، وظایف اجرایی نیز برای کمیته‌های فعال در شعب مرکزی بانک‌های مختلف در نظر گرفته شود. به نحوی که حق داشته باشند در عمل از اجرای فرآیندها، عقود و روابطی که به نحوی اشکال شرعی دارند، جلوگیری کنند. همچنین لازم است بانک مرکزی به صورت پیوسته به اصلاح دستورالعمل نظارت شرعی اقدام ورزد. علاوه بر این، مناسب است که کارگروه نظارت شرعی بانک مرکزی، با تعریف مولفه‌هایی خاص و قابل اندازه‌گیری (مثلا صحیح بودن عقود مورد استفاده در مؤسسه)، به تدوین «شاخص بانکداری اسلامی» اقدام ورزیده و سالانه آنرا در مورد تمامی بانک‌ها و مؤسسات بانکی اعلام نماید. این شاخص که می‌تواند در بازه صفر تا صد تغییر کند، بیان کننده میزان اسلامی بودن عملکرد مؤسسه مالی می‌باشد. ملزم ساختن مؤسسات به ارائه این شاخص به عموم مردم، زمینه‌های ایجاد رقابت میان مؤسسات مالی در زمینه تقویت اسلامی بودن عملکرد خود، به منظور جذب بیشتر مشتریان را فراهم می‌سازد.

٤. نقاط قوت و ضعف مدل پیشنهادی

٤-١. نقاط قوت

به نظر می‌رسد استفاده از الگوی پیشنهادی در این تحقیق در حوزه نظارت شرعی، می‌تواند منافع ذیل را برای بانک‌ها، مؤسسات مالی و کل نظام مالی کشور به همراه داشته باشد:

۱. افزایش سطح اعتماد عموم مردم کشور به اسلامی بودن عملکرد نظام بانکی.

Archive of SID

www.SID.ir

۲. افزایش سطح اعتماد بانک‌ها، موسسات مالی و عموم مردم مسلمان در سایر کشورها به اسلامی بودن عملکرد نظام بانکی در ایران.
۳. تقویت نظارت بر تطابق آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و عقود مورد استفاده در مؤسسات مالی با تعالیم شرعی.
٤. فراهم شدن امکان فهم مشکلات اجرای بانکداری اسلامی در عمل و تلاش در جهت رفع آن‌ها.
۵. تقویت نظارت بر اجرای صحیح قوانین مرتبط با بانکداری اسلامی در مؤسسات مختلف.
٦. تقویت زمینه‌های لازم به منظور به روز کردن قوانین و دستورالعمل‌ها متناسب با نیازهای مؤسسات مالی.
۷. تقویت امکان تنظیم آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی مرتبط با اجرای بانکداری اسلامی متناسب با نیازهای عملی مؤسسات مالی.
۸. تقویت زمینه‌های طراحی و استفاده از ابزارها و روش‌های نوین بانکداری اسلامی.
۹. تقویت آموزش ذینفعان نظام بانکی (مدیران، کارکنان، دریافت‌کنندگان تسهیلات و سپرده‌گذاران) در رابطه با کلیات بانکداری اسلامی و ضوابط مرتبط با عقود.
۱۰. ایجاد هماهنگی و یکپارچگی در تفاسیر و اختلافات شرعی در حوزه فعالیت‌های مالی و بانکی و طراحی قراردادها به نحوی که حداقل اختلاف فقهی در رابطه با آن وجود داشته باشد.
۱۱. ارائه چارچوب‌ها و استانداردهای کمی و کیفی در رابطه با انطباق عملیات بانکی با شریعت اسلامی.
۱۲. حمایت از پژوهش‌ها مرتبط با ابزارهای اسلامی و تلاش در جهت کاربردی کردن آن‌ها.
۱۳. اظهار نظر درباره شبهه‌های فقهی برخی از ابزارهای مالی و ارائه راه‌های مناسب.
۱٤. تهیه چک‌لیست‌های مرتبط با بانکداری اسلامی برای ناظران جهت انجام بازرسی.
۱۵. تعیین حداقل استانداردهای شریعت (اثباتی و سلبی) برای عقود مختلف.

Archive of SID

www.SID.ir

۱۶. ارائه شاخص شرعی بودن عملیات بانکی و رتبه‌بندی بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی و انتشار این شاخص به سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران به صورت دوره‌ای.
۱۷. تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی بانک‌های اسلامی و تلاش در جهت کاربردی کردن آن در مؤسسات مالی اسلامی.
۱۸. افزایش امکان تعامل میان بانک‌های اسلامی در ایران و سایر کشورها از طریق ایجاد ارتباط میان کمیته‌های فقهی.

٤-۲. نقاط ضعف و ارائه راه‌حل

بدون تردید نظارت شرعی در شبکه بانکی کشور مسئله‌ای جدید است و لذا طبیعتا انتظار آن وجود دارد که اجرای آن با مسائلی همراه باشد. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد چالش‌هایی در زمینه کاربردی‌سازی الگوی پیشنهادی که مبتنی بر تشکیل کمیته فقهی مرجع در بانک مرکزی همراه با تشکیل کمیته‌های فقهی در تمامی مؤسسات مالی است، وجود داشته باشد. در ذیل به برخی از مهمترین آن‌ها اشاره و راهکارهایی ابتدایی نیز ارائه می‌گردد.

٤-۲-۱. چالش هزینه

یکی از اشکالاتی که ممکن است به الگوی پیشنهادی وارد شود مسئله هزینه‌بر بودن آن است. بدین معنا که تشکیل کمیته‌های فقهی در مؤسسات مالی، که ماهیتا مؤسساتی انتفاعی هستند و به دنبال حداکثر نمودن سود خود می‌باشند، اقدامی هزینه‌بر می‌باشد. از اینرو، گرچه اجرای الگوی پیشنهادی در حوزه تشکیل و تقویت وظایف کمیته فقهی بانک مرکزی، دارای توجیه است، اما تشکیل این دسته از کمیته‌ها در بانک‌ها و مؤسسات مالی دارای توجیه اقتصادی نیست. در پاسخ به این مطلب می‌توان اینطور بیان کرد. اولا اجرای بانکداری اسلامی اقدامی هزینه‌بر بوده و لازم است نظام بانکی هزینه‌های مرتبط با آنرا بپردازد. همچنین، تقویت اسلامی بودن عملکرد نظام بانکی، می‌تواند با بالا بردن اعتماد علما و عامه مردم، به تقویت میزان جذب سپرده در نظام بانکی بیانجامد و لذا تشکیل صحیح چنین کمیته‌هایی می‌تواند منافع اقتصادی نیز برای

Archive of SID

www.SID.ir

مؤسسات به همراه داشته باشد. علاوه بر این، اجرای صحیح الگوی پیشنهادی و مدیریت صحیح بانک مرکزی در این زمینه (مثلا تدوین و انتشار دوره‌ای شاخص بانکداری اسلامی)، منجر به ایجاد فضایی رقابتی بین مؤسسات مختلف خواهد شد، به نحوی که مؤسسات تلاش خواهند کرد تا با افزایش میزان اسلامی بودن عملکرد خود، سپرده‌های بیشتری را جذب نمایند.

٤-٢-٢. نظارت شرعی و تعارض آن با حاکمیت شرکتی بانک‌ها و مؤسسات مالی

بانک مرکزی، بانک‌ها و مؤسسات مالی گوناگون، بخش‌های متفاوتی دارند که هر یک وظیفه خاصی بر عهده دارد. تشکیل نهادی خاص با عنوان کمیته فقهی در بانک مرکزی و یا در مؤسسات مالی، ممکن است باعث تداخل وظایف این کمیته با وظایف سایر نهادها گردد. راه‌حلی که برای این چالش می‌توان ارائه داد آن است که دستورالعمل‌های مرتبط با نظارت شرعی در بانکی مرکزی به نحوی تنظیم گردد که کار ویژه و یا وظایف تخصصی کمیته فقهی در مؤسسات مالی دقیقا در آن مشخص باشد؛ به نحوی که تداخلی بین وظایف این بخش با سایر بخش‌های فعال در مؤسسه ایجاد نشود.

٤-٢-٣. فقدان سرمایه انسانی مناسب و کافی

با توجه به تعدد بانک‌ها و مؤسسات مالی، به نظر می‌رسد در حال حاضر نیروهای متخصص کافی به منظور حضور در این کمیته‌ها وجود نداشته باشد و همچنین مرجعی نیز برای تعیین صلاحیت افراد در حوزه بانکداری اسلامی فراهم نیست. به نظر می‌رسد راه‌حل این مشکل در کوتاه‌مدت اجازه به اعضای کمیته‌های فقهی به منظور حضور در بیش از یک کمیته (با تعیین سقفی مشخص) می‌باشد و در بلندمدت تربیت نیروهای متخصص در این حوزه است. همچنین کارگروه نظارت شرعی در بانک مرکزی می‌تواند به صورت دوره‌ای نسبت به برگزاری امتحانات کتبی و شفاهی و ارائه گواهی‌های مختلف به افرادی که واجد حداقل شایستگی‌ها در حوزه بانکداری اسلامی هستند، اقدام کند.

Archive of SID

www.SID.ir

٤-۲-٤. عدم وجود یکپارچگی میان فتاوای فقهی و تقلید سپرده‌گذاران و مشتریان از مراجع گوناگون

یکی از مشکلاتی که کمیته‌های فقهی در الگوی پیشنهادی می‌توانند با آن مواجه شوند، مسئله اختلاف‌های فقهی میان فقها است. به عنوان نمونه، برخی از مراجع عقد خاصی را مشروع می‌دانند و در مقابل، برخی دیگر آنرا جایز نمی‌دانند و این خود می‌تواند زمینه‌های ایجاد اختلاف میان اعضای کمیته‌های فقهی یک مؤسسه و یا کمیته‌های فقهی در مؤسسات گوناگون را فراهم آورد. همچنین، مخاطبین بانک، از جمله سپرده‌گذاران و مشتریان، از مراجع مختلفی تقلید می‌کنند و این خود می‌تواند وظیفه کمیته فقهی را سخت نماید. راه‌حلی که در این زمینه می‌توان ارائه داد اولا تقویت جایگاه کارگروه بانک مرکزی به منظور تلاش در جهت حل این مشکلات و ثانیا آشنا بودن اعضای کمیته‌ها با دیدگاه‌های گوناگون و تلاش در جهت تنظیم فعالیت‌های مرتبط با بانکداری اسلامی به نحوی است که حداکثر دیدگاه‌های فقها را شامل شود.

جمع‌بندی، توصیه‌های سیاستی و چشم‌انداز تحقیقات آینده

این تحقیق تلاش نمود تا ضمن ارزیابی تجربه نظارت شرعی در سایر کشورهایی که به نحوی به بانکداری و مالیه اسلامی توجه دارند، الگویی مناسب برای ایران استخراج نماید. در واقع تلاش کرد تا ضمن مقایسه تجارب کشورهای اسلامی و غیر اسلامی در زمینه نظارت شرعی، به بررسی نقاط اشتراک و افتراق این تجارب پرداخته و با توجه به وضع موجود نظارت شرعی در کشور، الگویی مناسب در سه بازه زمانی، به منظور توسعه تدریجی نظارت شرعی در کشور ارائه دهد. پس از آن به بررسی نقاط قوت راه‌اندازی نظام نظارت شرعی در کشور پرداخته و همچنین چالش‌هایی که ممکن است این الگو با آن مواجه گردد و ارائه راه‌حل‌های ابتدایی را مورد توجه قرار داد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که راه‌اندازی الگوی نظارت شرعی در نظام بانکداری بدون ربا در ایران (مشابه سایر کشورها) می‌تواند منافع مشخصی به همراه داشته باشد که نمی‌توان از آن غافل بود. در واقع به نظر می‌رسد راه‌اندازی الگوی نظارت شرعی در بانکداری کشور، می‌تواند سطح اسلامی بودن عملکرد نظام بانکی را ارتقاء بخشد.

Archive of SID

www.SID.ir

همچنین مسئله راه‌اندازی نظام نظارت شرعی، می‌تواند بـه عنـوان یکـی از محورهـای طرح تحول نظام بانکی مورد توجه قرار گیرد.

توصیه سیاستی این تحقیق آن است که مقامات ناظر بازار پول در کشور لازم است به مسئله نظارت شرعی توجه خاصی داشته باشند. در واقع تلاش کنند تا الگوی اولیـه ارائه شده در این تحقیق را مورد توجه قرار داده و با توسعه دادن آن در ابعاد مختلـف، زمینه‌های راه‌اندازی نظام نظارت شرعی در مؤسسات مالی کشور را فـراهم نمایـد. بـه طور مشخص پیشنهاد می‌شود:

۱. بانک مرکزی و نه سایر نهادهای نظارتی (به عنوان نمونه سازمان بازرسی کل کشور، سازمان حسابرسی کل کشور، سازمان حسـابداری، انجمـن حسـابداران خبـره ایـران و غیره) مسئله نظارت بر اجرای صحیح بانکداری بدون ربا را بر عهده داشته باشد.

۲. بهتر است شورای فقهی بانک مرکزی جایگاه قانونی و رسمی پیدا کرده و همچنـین اختیاراتش از سطح مشورتی (وضع موجود)، به سـطوح نظـارتی (نظـارت بـر اجـرای صحیح بانکداری بدون ربا) و اجرایی (قدرت جلوگیری از فعالیت‌هایی که غیر شـرعی تشخیص می‌دهد) افزایش یابد.

۳. بهتر است بانک مرکزی، زمینه‌های قانونی لازم به منظور تشکیل «کمیته‌های فقهـی»، در بانک‌ها و موسسه‌های فعال در کشور را فراهم آورد. بـدین صـورت کـه هـر بانـک دارای یک کمیته فقهی مستقل گردد و این کمیته به تمامی شعب موسسه مـالی مـذکور خدمات مشورتی و نظارتی ارائه دهد.

٤. لازم است در اولین گام، شورای فقهـی بانـک مرکـزی، آئـین‌نامـه اجرایـی تشـکیل کمیته‌های فقهی در موسسـات مـالی اسـلامی کشـور (شـامل نحـوه انتخـاب اعضـای، چارچوب فعالیت، نحوه تدوین گزارش سالیانه در رابطه بـا عملکـرد شـرعی موسسـه، اختیارات، وظایف، حقوق و تکالیف کمیته فقهی در مقابل هیئت مدیره، مجمع عمـومی و سایر بخش‌های بانک و غیره) را تهیه و به کلیه موسسات مالی کشور ابلاغ کند.

۵. با توجه به جدید بودن مسئله نظارت شرعی، بهتر است در کوتاه مدت مسئله تشکیل کمیته‌های فقهی بر اساس آئین‌نامه بانک مرکزی، اختیاری و همـراه بـا تـدابیر تشـویقی مناسب باشد.

Archive of SID

www.SID.ir

۶. بهتر است آئین‌نامه بانک مرکزی به نحوی تنظیم گردد که حداکثر تعامل (حداقل تداخل) بین کمیته فقهی موسسه مالی و سایر بخش‌های تخصّصی وجود داشته باشد.
۷. بهتر است آئین‌نامه بانک مرکزی به نحوی تنظیم گردد که امکان رقابت صحیح بین موسسات مالی مختلف در رابطه با اجرای صحیح بانکداری اسلامی، استفاده از عقود و شیوه‌های جدید و غیره، فراهم گردد.
۸. بهتر است در کوتاه‌مدت، به دلیل عدم وجود نیروی متخصص به منظور اجرای وظیفه نظارت شرعی، آئین‌نامه بانک مرکزی به نحوی تنظیم گردد که اعضای کمیته فقهی یک موسسه بتوانند در برخی از دیگر موسسات (البته با تعیین سقف) حضور داشته باشند.
۹. بهتر است آئین‌نامه بانک مرکزی شاخص‌هایی محاسبه‌پذیر در رابطه با اجرای بانکداری بدون ربا ارائه نماید و از کمیته‌های فقهی موسسات بخواهد بر اساس این شاخص‌ها به عملکرد موسسات مالی نمره دهند. این نمرات نیز در پایان سال مالی، در گزارش کمیته فقهی موسسه به مجمع عمومی، هیئت مدیره، بانک مرکزی و عموم مردم وجود داشته باشد. بدین نحو سپرده‌گذاران و مشتریان موسسات مالی خواهند توانست بر اساس نمره «اسلامی بودن عملکرد» در بین موسسات گوناگون دست به انتخاب بزنند و این زمینه رقابت میان موسسات در اجرای بانکداری بدون ربا را فراهم می‌آورد.

تحقیقات آینده در این حوزه می‌توانند مباحث ارائه شده در این تحقیق را در ابعاد مختلف تکمیل کنند. برخی از این موارد عبارت‌اند از:

۱. در این تحقیق به دلیل محدودیت‌های موجود امکان بررسی تجارب برخی دیگر از کشورها (مثلا پاکستان) فراهم نبود. تحقیقات آینده می‌توانند ضمن بررسی این تجارب، نقاط قوت و ضعفی که در آن‌ها وجود دارد را مورد توجه قرار دهند.
۲. الگوی پیشنهادی در این تحقیق بر اساس وضع موجود نظام بانکداری بدون ربا در کشور ارائه گردیده است. اما با این حال، می‌توان با تدوین پرسش‌نامه‌های مناسب، نظر خبرگان نظام بانکی در رابطه با ویژگی‌های الگوی مناسب نظارت شرعی در کشور در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت را جستجو کرد.

Archive of SID

www.SID.ir

۳. تحقیقات آینده می‌توانند به طور مشخص، الگوی اجرایی دقیق توسعه نظام نظارت شرعی در کشور و نقشی که بانک مرکزی در این رابطه می‌تواند ایفا کند را مورد توجه قرار دهند.

در پایان ذکر چند نکته نیز مفید به نظر می‌رسد:

۱. بانک مرکزی کشور، بر اساس تعهدی نانوشته، در قبال نظام جمهوری اسلامی ایران و اکثریت مردم مسلمان، این وظیفه را دارد که شرعی بودن فعالیت‌ها و روابط موجود بین ذینفعان نظام بانکی و فعالان بازار پول را تضمین کند. از اینرو، پرداختن به موضوع نظارت شرعی در بانک مرکزی، نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت غیرقابل انکار است.

۲. اصلاح نظام بانکی و انجام هرگونه تحولی در جهت تقویت سطح اسلامی بودن عملیات بانکی، اقدامی زمان‌بر بوده و لذا نیاز است بانک مرکزی الگویی بلندمدت در این رابطه تهیه نماید.

۳. نباید تصور کرد تشکیل کمیته‌های فقهی در شعب مرکزی بانک‌ها و مؤسسات مالی فعال در کشور اقدامی نشدنی است. چرا که علاوه بر وجود تجارب متعدد در بانک‌های سایر کشورها، در کشور ایران نیز برخی از مؤسسات در دوره اخیر به خوبی به موضوع نظارت شرعی توجه داشته‌اند. به عنوان نمونه مؤسسه مالی و اعتباری مهر (که قرار است در آینده‌ای نزدیک به بانک مهر اقتصاد تبدیل گردد)، چندین سال است کمیته فقهی بانکداری اسلامی را تاسیس کرده است و این کمیته بر عملکرد این مؤسسه نظارت خوبی دارد.[۵۱]

٤. نباید تصور کرد که راه‌اندازی نظام نظارت شرعی در بانکداری کشور، می‌توانند تمامی مشکلاتی که نظام بانکداری با آن مواجه است را مرتفع سازد. بلکه چالش‌های گوناگون و متفاوتی در بانکداری کشور وجود دارد، که لازم است در کنار مسئله نظارت شرعی مورد توجه قرار گیرند. در واقع اصلاح نظام بانکداری در ایران ابعاد مختلفی دارد که یکی از آن‌ها مسئله اسلامی بودن عملکرد آن است.

Archive of SID

www.SID.ir

یادداشت‌ها

1. systemic risk
2. countercyclical

۳. رهبر انقلاب در سخنرانی‌های متعدد به این موضوع پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، در سخنرانی خود در نخستین روز سال ۱۳۹۰ در مشهد مقدس، در این رابطه این طور بیان داشته‌اند که: «ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه حل مشکلات اقتصادی به همه دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملت‌ها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه اسلام و با تعالیم اسلام چگونه می‌تواند پیشرفت کند» (به نقل از سایت رهبری به آدرس www.khamenei.ir؛ تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۹۰/۱/۱٤).

4. Dutch Commercial Company
5. The Saudi Arab Monetary Agency (SAMA)
6. advisory
7. supervisory
8. executive
9. Al-Rajhi bank
10. Sharia Board
11.secretariat
12. Shariah Control Department
13. information unit
14. Shariah Monitoring Guide
15. Shariah Control Guidelines
16. Banking Disputes Committee
17. Bank Negara Malaysia
18. National Shariah Advisory Council (NSAC)
19. Shariah Compliance Manual
20. National Shariah Board
21. Shariah Supervisory Board
22. Bahrain–Based Liquidity Management Center
23. The Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions
24. The International Islamic Financial Market
25. The Central Bank of Bahrain
26. National Shariah Advisory Board
27. the federal law
28. higher shariah authority
29. the shariah supervisory board
30. Dubai International Financial Centre (DIFC)
31. The Central Bank of Kuwait Law (CBK Law)
32. Fatawa Board
33. Shariah report
34. Qatar Financial Center
35. Qatar Financial Markets Authority

Archive of SID

www.SID.ir

36. The Islamic Finance Rule Book
37. supervision instructions
38. The Supreme Shariah Council
39. Islamic Bank of Britain
40. The European Finance House
41. The Bank of London and the Middle East
42. The European Islamic Bank
43. The Gate House Capital

٤٤. به عنوان نمونه آیت الله نوری همدانی از مراجع تقلید در این رابطه بیان داشته‌اند که: «متاسفانه ربا هنوز در بانک‌های ایران وجود دارد و تنها شکل آن تغییر کرده است» (به نقل از سایت http://alef.ir/1388/content/view/92476؛ تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۸۹/۱۱/٦.

٤٥. شاید به همین دلیل بود که بازنگری قانون بانکداری بدون ربا که قرار بود تنها برای مدت پنج سال اجرا شده و پس از آن مورد اصلاح واقع شود، هرگز انجام نشد.

46. repurchase agreement

٤٧. این بسته در مجموع دارای شش فصل می‌باشد که عبارت‌اند از: تعاریف، سیاست‌های پولی، سیاست‌های اعتباری، سیاست‌های نظارتی، بانکداری الکترونیک و نظام‌های پرداخت و سایر.

٤٨. بسته سیاستی – نظارتی شبکه بانکی کشور سال ۱۳۸۹ به نقل از سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به آدرس: http://www.cbi.ir.

49. Islamic development banks
50. Islamic Corporation for the Development of the Private Sector (ICD)

۵۱. به نقل از سایت http://www.mebank.ir؛ تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۸۹/۱۱/۱۱.

کتابنامه

قطان، محمد (۲۰۰٦م.)، *سرپرستی شریعت؛ ستون اصلی معماری اسلامی*، برگرفته از معماری مالی اسلامی: مدیریت ریسک و ثبات مالی، نوشته تریکولا خان و دانگ مولجاوان، بی‌جا، بی‌نا.

کمسیون اوراق بهادار مالزی (۱۳۸۵)، *مصوبات شورای مشورتی شرعی کمسیون اوراق بهادار مالزی*، ترجمه مهدی نجفی و سیدسعید شمسی‌نژاد، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

موسویان، سیدعباس (۱۳۸۸)، «نقش شورای تخصصی فقهی در ارتقای سطح مشروعیت و کارایی بانک‌های اسلامی»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ش۳٦.

Archive of SID

www.SID.ir

نیلی، فرهاد و سپه‌وند، مهرداد (۱۳۸۹)، «نظارت بر بانک‌ها: ابهام در مفهوم، تردید در عمل»، *نشریه تازه‌های اقتصاد پژوهشکده پولی و بانکی*، ش۱۲۹.

Al-Rajhi (2008), Sharia Board, Available at: http://www.alrajhibank.com.sa /AboutUs/Pages/ShariaaGroup.aspx.

Al-Sayari, H. (2004), *Islamic Banks: Current Situation and Future Wailings*.

Al-Sayed, M. (2005), "The Role of the Central Bank in an Islamic Banking System", Ph.D Thesis, University of Wales, Lamperter.

Al-Suwaidi, A. (1993), "Developments of the Legal Systems of the Persian Gulf Arab States", *Arab Law Quarterly*, vol. 8, no. 4.

Amin, S. (1983), "Legal Systems in the Persian Gulf States", *Lloyds Maritime Commercial Law Quarterly*, vol. 19, no. 2.

Ballantyne, W. (1985), "The States of the GCC: Sources of Law, the Sharia and the Extent to Which It Applies", *Arab Law Quarterly*, vol. 1, no. 1.

Briault, C. (2007), London as a Centre of Islamic Finance?, FSA Industry Forum, London, Available at: http://www.fsa.gov.uk/pages/Library/Communication /Speeches/2007/1018_cb.shtml. Access: 21st November, 2008.

Hamzah, A. (1994), "The Duality of the Legal System", *Middle Eastern Studies*, vol. 30, no. 1.

Hasan, A. (2007), Optimal Shari'ah Governance in Islamic Finance, Kuala Lumpur: BNM. Available at: http://www.bnm.gov.my/microsites/giff2007 /pdf/frf/04_01.pdf. Access: 27th August, 2009.

HM Treasury (2008), *The Development of Islamic Finance in the UK: The Government's Perspective*, London: HM Treasury.

Housby, S. (2005), "The Development of the Islamic Financial Tradition in Contemporary Britain", Ph.D Thesis, The Open University, London.

Humayon, A. (2009), Models of Sharia advisement in Islamic Finance, Al Watan Daily. Available at: http://alwatandaily.alwatan.com.kw/Default. aspx?MgDid=786239&pageId=476. Access: 27th August, 2009.

Kahf, M. (2004), "Islamic Banks: The Rise of a New Power Alliance of Wealth and Sharia Scholarship", in Clement M. Henry and Rodney Wilson (ed.), *The Politics of Islamic Finance*, Edinburgh University Press.

Mohamed, A. (2003), "Harmonisation of Shari'ah and Civil Law in Malaysia: Present Reality and Future Actions", *International Conference of Shari'ah and Civil Law*, International Islamic University Malaysia, Kuala Lumpur.

Pepper, W. (1992), "Foreign Capital Investment in Member States of the Persian Gulf Cooperation Council: Considerations, Issues and Concerns for Investors", *Arab Law Quarterly*, vol. 7, no. 1.

Radhi, H. (2003), *Judiciary and Arbitration in Bahrain: a historical and analytical study*, London: Kluwer Law International.

SC, (2009), *SC Streamlines Registration of Shari'ah Advisers*, Available at: http://www.sc.com.my/main.asp?pageid=379&linkid=2256&yearno=2009&mod=paper. Access: 10th August, 2009.

Selvam, J. (2008), "Call for More Intellectual Capital", *Islamic Banking and Finance*, vol. 6, Issue 1, no. 16.

Tamimi, H. (2002), "Interest under the UAE Law and as Applied by the Courts of Abu-Dhabi", *Arab Law Quarterly*, vol. 17, no. 1.

Archive of SID

www.SID.ir

Wilson, R. (2009), *The Development of Islamic Finance in the GCC*, Kuwait: The Centre for the Study of Global Governance.
Zulkifli, H. (2010), *Regulatory Framework of Shari'ah Governance System in Malaysia*, GCC Countries and the UK, Kyoto Bulletin of Islamic Area Studies, vol. 3.

Archive of SID

www.SID.ir

Archive of SID

www.SID.ir